

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ابل پرئیتو (وزیر فرهنگ کوبا)
برگردان از: م. قربانی
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰

فارنهایت ۴۵۱



اگر در دنیای زندگی می‌کنید که مملو از مردمانی است که کتاب نمی‌خوانند، شناخت ندارند و نمی‌آموزند... نیازی به

سوزاندن کتاب‌ها نیست

بیست و دوم اگست مصادف بود با صدمین سالگرد تولد نویسنده بزرگ امریکائی، ری برادبری در شهر واکینگ در ایالت ایلینوی. اما، کتاب او هنوز طراوت و تازگی خود را حفظ کرده است. او آینده را با نگاه انتقادی تیز و ویرانگر خود می‌بیند و الگوی جامعه آن روز و امروز امریکائی را متصور می‌شود.

در سال ۱۹۵۳ او رمان افشاگرانه فارنهایت ۴۵۱ را منتشر کرد، کتابی که مکار تیسیم و دستگاه سرکوبگر نظام را به تصویر کشید و با محکوم کردن سلطه بلاهت و سانسور اطلاعات، حافظه، میراث انسانی فرهنگ غربی، همه چیزهایی که فاشیسم آن را دگراندیشی می‌خواند، به نبرد فرا خواند.

عنوان رمان برادبری تلویحاً اشاره‌ای است به درجه حرارت لازم برای سوزاندن کاغذ. حرارت ۴۵۱ درجه در ایالات متحده امریکا، ممنوعیت کتاب‌هاست. به‌زعم مقامات رسمی، آن‌ها مضرند، اشیائی زیان‌آور؛ آن‌ها به مردم افکار

مغشوش تلقیح می‌کنند؛ آن‌ها مانع دسترسی مردم به شادی و نشاط می‌شوند؛ آن‌ها با وجود «یقین» به زندگی رخت‌آور روزمره، خواستار هرچومرغ و ناآرامی هستند.

هرکس که کتابخانه شخصی یا چند جلد کتاب را مخفی کند قانون شکنی کرده و باید محکوم شود. پس از اعلام رسمی، «آتش‌نشانان» اعزام شده با جریان پرفشار نه آب بلکه آتش، هر کتابی بیابند در مقابل چشمان وحشت‌زده صاحبانشان به خاکستر تبدیل می‌کنند.

بیست سال پیش از انتشار فرانهایت ۴۵۱، در سال ۱۹۳۳، رهبر دانشجویان نازی هربرت گوتیاهر همراه با گوبلز به رهبری «اقدام علیه روحیه ضدآلمانی» پرداختند. بیشتر از بیست هزار جلد کتاب در اوپرن پلاتز برلین سوزانده شدند. گوتیاهر فریاد زد: «من هر آنچه نشانی از روحیه غیرآلمانی داشته باشد به آتش می‌کشم». مراسم و سخنرانی‌های مشابهی در سراسر کشور به اجرا گذاشته شد.

بیست سال پس از انتشار رمان برادبری، در سال ۱۹۷۳ مشهورترین کتاب‌سوزی در چیلی پینوچیت، در تورس د سان بورخای سانتیاگو اتفاق افتاد. کانال ۱۳ تلویزیون این مراسم هولناک را پوشش داد. چندین تحلیل‌ساز ماجرا را شرح دادند، هر کتابی به هر شکلی واژه «سرخ» را به‌کار برد محکوم به سوختن است. حتی کتاب‌هایی که از جریان هنری کویسیم صحبت می‌کرد دسته‌دسته به آتش کشیده شدند، چون بازپرس‌ها آن‌ها را مربوط به کوبا می‌دانستند.

مونتگ، شخصیت اصلی در رمان فرانهایت ۴۵۱، یک «آتش‌نشان» است که با همراهانش به خانه‌ای می‌رود تا حکم را اجرا کنند. آن‌ها کتاب‌ها و اطراف را به بنزین آغشته می‌کنند و به صاحب‌خانه (پیرزنی در حال زاری) فرمان می‌دهند به خیابان برود تا از گزند آتش در امان باشد. اما پیرزن در کمال تعجب با کشیدن کیریت آتش را شعله‌ور می‌سازد و خود در میان آتش می‌سوزد.

این اقدام به خودکشی، مونتگ را تکان می‌دهد و او را با این سؤال مواجه می‌کند که معنای حرفه و کل زندگی‌اش چیست. او از خود می‌پرسد، کتاب‌ها چه ارزش توضیح‌پذیری دارند که می‌تواند فرد را به جایی بکشاند که با آن‌ها فنا شود. و او به این درک می‌رسد که کتاب‌ها چیزی فراتر از مثنی کاغذ و ردیف‌هایی از حروف هستند. کم‌کم او کتاب‌ها را هم‌نهاد با حافظه فردی و اجتماعی، به‌مثابه گنجینه و مخزن افکار و معنویت می‌بیند، در چشم‌اندازی تهی، برهوتی با جماعتی که صدا دارند ولی چیزی برای گفتن به یکدیگر ندارند و تلویزیون، این همیشه‌حاضر در همه‌جا، برای تحقیق بینندگان طراحی شده است. یک استاد ادبیات که تقریباً یک قرن پیش شغلش را از دست داد به مونتگ می‌گوید، «تلویزیون، بارها و بارها، بی‌وقفه به شما می‌گوید به چه چیز فکر کنید». وی می‌افزاید «کل فرهنگ از هم‌گسیخته، تمدن در حال فروپاشی است.»

در مقدمه تجدید چاپ رمان در سال ۱۹۹۳ برادبری چند سرنخ برای کشف پیامش به دست می‌دهد: «اگر در دنیای زندگی می‌کنید که مملو از مردمانی‌ست که کتاب نمی‌خوانند، شناخت ندارند و نمی‌آموزند... نیازی به سوزاندن کتاب‌ها نیست». این بیان، پیام هراسناک و بجائی دارد. صنعت فرهنگی جریان حاکم به این مهم دست یافته است که کتاب‌خوان‌های کمتر و کمتری وجود دارند و مردم کمتر و کمتری علاقه مند به فراتر رفتن از عرصه‌های سطحی و بی‌ارزش، به درک واقعیات، روندها، عمق زندگی می‌باشند. این تخریب درک و بینش، که به سرعت رشد کرده است، از نگاه برادبری در سال ۱۹۵۳ پوشیده نبود.

در دنیای فرانهایت ۴۵۱، وقت فراغت باید به بازی، خوش‌گذرانی و سرگرمی‌های کودکانه اختصاص یابد. فرهنگ اصالتش را از دست داده است. کار آموزش تعریفی ندارد، به عمل‌گرایی مطلق کشیده است. مطالعات در رشته‌های

انسانی از بین رفته است. کتاب‌های کلاسیک خلاصه و کوتاه شده‌اند. واژه «روشنفکر» به دشنام تبدیل شده است. رأی‌دهندگان به شکل و شمایل کاندیداها رأی می‌دهند، صرف‌نظر از برنامه وی - اگر برنامه‌ای در کار باشد. در دوران شیوع کرونا، بازخوانی فآرنه‌ایت ۴۵۱ تجربه‌ای هیجان‌انگیز است از تراژیدی بی‌حدوحصر اکثریت مردم و ثروتمند شدن شرم‌آور نخبگان، و سرریز شدن خشونت پولیس و طغیان علیه نژادپرستی، و نمایش واقعاً مضحک و مسخره انتخابات امریکا، و اداره ماهرانه و وقیحانه افکار و احساسات عمومی.

«کل فرهنگ از هم‌گسیخته است، تمدن ما در حال فروپاشی است.»

منبع: گرانما مؤرخ ۱۰ سپتمبر ۲۰۲۰

@CubaSolidarity